خراسان روزنامه صبح ایران
سه‌شنبه ۶ شهریور ۱۳۹۷. ۱۶ ذی‌الحجه ۱۴۳۹. شماره ۱۹۹۰۱

تصادف در آزادراه کرج- قزوین
۱۰ مصدوم برجا گذاشت

معاون اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای البرز اعلام کرد بر اثر تصادف در آزادراه کرج- قزوین ۱۰ نفر مصدوم شدند. عباس صفری در گفت‌وگو با ایرنا اظهار کرد: این حادثه بامداد دیروز در محدوده پل کردان شهرستان ساوجبلاغ در آزادراه کرج- قزوین و بین سه دستگاه خودروی سواری رخ داد. این مسئول بیان کرد: مصدومان حادثه توسط نیروهای امدادی به مراکز درمانی انتقال یافتند. صفری گفت: علت حادثه توسط کارشناسان پلیس راه در دست بررسی است.

کلبه آرزوهای عروس و داماد در آتش تصادف سوخت
موسیقی عروسی بانت مرگ!

جاده مشهد- سرخس مجلس عروسی را به عزا تبدیل کرد و عروس و داماد لباس سیاه به تن کردند.

سید خلیل سجادپور- مجلس عروسی که قرار بود روز گذشته در یکی از روستاهای اطراف مشهد برگزار شود در حالی به مجلس عزا تبدیل شد که در یک سانحه رانندگی پدر داماد جان سپرد و عروس و مادر شوهر نیز راهی بیمارستان شدند. به گزارش خراسان، این حادثه تاسف بار صبح روز یک شنبه گذشته در نزدیکی شهر رضویه مشهد هنگامی رخ داد که یک دستگاه کامیون با دو خودروی سواری برخورد کرد. شدت این حادثه به حدی بود که راننده خودروی تیبا با وجود عمل کردن ایربَک ها در دم جان سپرد و دو سرنشین دیگر این خودرو نیز به همراه سرنشین خودروی سواری دیگر مجروح و روانه بیمارستان شدند.

در پی اعلام این سانحه دلخراش به گروه امدادی آتش‌نشانی، بلافاصله نیروهای عملیاتی اطفای حریق و امداد و نجات آتش نشانی شهر رضویه به محل حادثه در ۵ کیلومتری این شهر اعزام شدند و عملیات امداد و نجات را با رهاسازی افراد محبوس در خودرو آغاز کردند.

سرپرست آتش نشانی رضویه در این باره گفت: طبق بررسی های اولیه کامیون کمپرسی از سمت مشهد به سرخس و خودروهای سواری در جهت عکس حرکت می کردند که این حادثه رخ داده است. گزارش خراسان حاکی است کارت عروسی که روی داشبورد خودروی تیبا بود حکایت از آن داشت که سرنشینان خودرو در تدارک مجلس عروسی بودند و کارت ها نشان می داد که قرار بود مجلس عروسی زوج جوان دیروز (دوشنبه) برگزار شود اما متاسفانه پدر میان‌سال داماد در صحنه تصادف جان سپرد و همسر و عروسش نیز که مصدوم شده بودند در بیمارستان بستری شدند. به گزارش خراسان، این گونه بود که بار دیگر سانحه رانندگی در

با اعترافات متهم به قتل لو رفت
پدرکشی با سم

پسر جوان در انگیزه ای نامعلوم دست به قتل پدرش زد. به گزارش رکنا، صبح ۲۱ مرداد ماه امسال مسئولان بیمارستان امام حسین (ع) از مرگ مرد ۵۳ ساله ای که به دلیل مسمومیت مرموزی به کام مرگ فرو رفته بود خبر دادند. خیلی زود ماموران کلانتری ۱۰۷ فلسطین برای تحقیقات پلیسی به بیمارستان رفتند و مشخص شد که دو مرد دیگر نیز همراه این مرد به دلیل مسمومیت به بیمارستان منتقل شده اند و تنها مرد ۵۳ ساله تسلیم مرگ شده است. بدین ترتیب تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس شعبه ۱۰ دادسرای جنایی برای تحقیقات فنی و افشای راز این مرگ مرموز وارد عمل شدند. کارآگاهان در گام نخست تحقیقات پی بردند علی ۵۳ ساله و شریک کاری اش همراه پسرانشان داخل مغازه در خیابان بهار پس از خوردن غذا دچار مسمومیت شدند و پسر علی تنها کسی است که در این ماجرا سالم مانده و مسموم نشده است. در این مرحله شریک علی هدف تحقیق قرار گرفت و گفت: روز حادثه همگی داخل مغازه بودیم و شروع به خوردن غذا کردیم که همان ابتدا من و پسرم متوجه مزه عجیب غذا شدیم و از خوردن آن دست کشیدیم اما علی و پسرش بی تفاوت به این موضوع به غذا خوردن ادامه دادند. وی افزود: پس از خوردن غذا همگی حالمان بد شد و تنها کسی که اتفاقی بر ایش رخ نداد سعید بود که همگی به بیمارستان رفتیم و شریکم در این ماجرا به کام مرگ فرو رفت. نظریه پزشکی قانونی نشان از آن داشت که علی به دلیل مسمومیت شدید به کام مرگ فرو رفته است. کارآگاهان در ادامه تحقیقات به سراغ دوربین مداربسته مغازه رفتند که مشخص شد دوربین ها از صبح روز ۲۱ مرداد ماه قطع شده و هیچ تصویری ضبط نشده است. تیم جنایی با توجه به این که تنها کسی که در این ماجرا مسموم نشده و قطع شدن دوربین های مداربسته مغازه فرضیه یک جنایت پنهانی را داشت سعید را به عنوان مظنون اصلی پرونده روز ۲۴ مرداد دستگیر کردند. سعید ابتدا خود را بیگناه می دانست اما پس از ۷۲ ساعت، روز شنبه ۲۷ مرداد ماه پرده از قتل پدرش برداشت. کارآگاهان در تحقیقات از پسر جوان پی بردند که وی به دلیل مشکلات مالی تصمیم به خودکشی گرفته و با ۱۵ هزار تومان اقدام به خرید سم کرده بود اما روز اجرای نقشه نظر خود را تغییر داده و تصمیم به قتل پدرش گرفته است. در ادامه مشخص شد که سعید داخل غذای شریک پدرش سم کمتری ریخته و قصد داشته تا با این صحنه سازی قتل پدرش را یک حادثه نشان دهد.

گفت‌وگو با پسر پدرکش

سعید ۳۵ ساله که هیچ سابقه ای در پرونده اش نیست ادعا می کند بدون هیچ انگیزه ای دست به قتل پدرش زده و یک شبه زندگی خودش و چند خانواده را به هم ریخته است.

■ **سابقه‌داری؟**
اولین بار است که دستگیر شدم.
■ **به‌چه‌جرمی دستگیر شدی؟**
قتل پدرم.
■ **با چه انگیزه‌ای دست به قتل زدی؟**
انگیزه خاصی نداشتم.
■ **پس چرا پدرت را کشتی؟**
به خاطر مشکلات مالی فشار روحی و روانی زیادی داشتم که نمی دانم چرا دست به این کار زدم.
■ **مشکلات مالی؟**
۵۰۰ میلیون تومان بدهکار بودم.
■ **شغل؟**
با پدرم داخل مغازه اش کار می کردم.
■ **با پدرت اختلاف داشتی؟**
هیچ مشکلی با پدرم نداشتم.(سکوت)
■ **چرا سکوت کردی؟**
یک شب زندگی ات و همه چیز را به هم بریزی چه چیزی می توانم بگویم.
■ **چرا دست به قتل زدی؟**
نمی دانم، تصمیمی احمقانه و بدون فکر بود.
■ **روز حادثه چه اتفاقی افتاد؟**
داخل غذای پدرم، شریک پسر شریکش را با قرص مسموم کردم که پدرم با خوردن غذای مسموم کشته شد.
■ **قصد قتل شریک پدرت و پسرش را هم داشتی؟**
نه، داخل غذای آن ها قرص کمتری ریختم.
■ **شنیدم قبل از قتل پدرت تصمیم به خودکشی گرفته بودی؟**
در حالی که تحقیقات ابتدایی ماموران نشان از آن دارد که سعید ابتدا تصمیم به خودکشی گرفته بود و قتی در برابر این سوال قرار گرفت ابتدا سکوت کرد و پس از دقایقی گفت: من قصد خودکشی نداشتم.
■ **پشیمانی؟**
صد در صد پشیمانم.
■ **کسی فکر می کند سعید دست به قتل پدرش زده باشد؟**
نه، هیچ کسی باور نمی کند که من پدرم را کشته باشم، به خاطر همین کارم باعث شدم چند خانواده به هم بریزد.
■ **شنیدم بدهکاری‌ات به خاطر باخت در بازی قمار بوده؟**
نه، به هیچ عنوان من اهل قمار بازی نبودم.
■ **پدرت را به خاطر ارثیه کشتی؟**
نه، غیر ممکن است، من هیچ چشم داشتی به ارثیه پدری ام نداشتم.
■ **هنوز متوجه انگیزه قتل پدرت نشدم؟**
۱۰ روز است که دارم به این موضوع فکر می کنم که چرا پدرم را کشتم.
■ **ازدواج کردی؟**
دو فرزند هفت ماهه و هفت ساله دارم.
■ **فکر می کنی آزادشوی؟**
به هیچ چیزی فکر نمی کنم، یعنی دیگر برای من فرقی نمی کند.
■ **اعدام یا زندگی دوباره فرق نمی کند؟**
هیچ فرقی برای من نمی کند.
■ **برای فرزندانت که فرق می کند؟**
در شرایطی نیستم که بخواهم فکر کنم.
■ **حرف آخر؟**
کار من از نصیحت کردن گذشته است، جوان ها باید قدر زندگی شان را بدانند چون هیچ چیزی ارزش ندارد. باید با خانواده رو راست باشیم چون آخر یکی می شود مثل من که باعث به هم ریختن چند خانواده می شوید و دست به یک اشتباه بزرگ می زنید که جبران ناپذیر است.

بنا بر این گزارش، سعید برای تحقیقات بیشتر به دستور بازپرس پرونده در اختیار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار دارد.

از میان خبرها

راننده بی‌احتیاط گله گوسفند را زیر گرفت

توکلی- فرمانده انتظامی شهر بابک از تلف شدن ۵۴ راس گوسفند در اثر برخورد خودروی سمند با یگ گله گوسفند خبر داد .

به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ "صیفوری" گفت: درپی گزارش یک فقره تصادف در محور "میمند- شهر بابک" بلافاصله عوامل پلیس برای بررسی موضوع به این محل اعزام شدند. وی افزود: باحضور ماموران در صحنه مشخص شدیک دستگاه خودروی سمند با یک گله گوسفند عبوری در این محور برخورد کرده است که بر اثر آن ۵۴ راس گوسفند تلف شدند.

باند ۳۱ هزار نفره قماربازی متلاشی شد

رئیس پلیس فتای ناجا از کشف و شناسایی یک کانال قماربازی با ۳۱ هزار عضو خبر داد.

سردار سید کمال هادیان فر رئیس پلیس فتای ناجا در گفت‌وگو با فارس، با اعلام خبر فوق اظهار کرد: متأسفانه قماربازی و شرط‌بندی به مثابه یک چیز ساده و مباح شده و این نگران کننده است.

رئیس پلیس فتای ناجا به یک پرونده قماربازی که به تازگی در مازندران شناسایی و کشف شده، اشاره و تصریح کرد: در این پرونده ۵۰ میلیارد تومان در حساب فردی بود که مسدود شد؛ اما مهم تر این که وقتی از دوستان خواستم که افرادی را که قمار می کردند احضار کنند، اعلام شد که تعداد اعضای این کانال، ۳۱ هزار نفر بوده‌اند؛ آن هم افراد مختلفی از خانواده و گرایش های مختلف.

سردار هادیان فر گفت: این مسائل است که ما را نگران می کند؛ البته ما نیز بیکار ننشستیم و در ایام عید ۱۴۳ درگاه بانکی را با همکاری شاپرک و دستگاه قضایی مسدود کردیم.

وی گفت: در خصوص دستگیری چند نفر از سرشبکه ها که در ترکیه هستند نیز پیگیری های لازم را از طریق پلیس اینترپل انجام داده ایم تا تحت تعقیب قضایی قرار بگیرند و بعد از دستگیری به کشور استرداد شوند.

آتش سوزی در شیکاگو جان ۶ کودک را گرفت

در حادثه آتش سوزی که در حومه شهر شیکاگوی آمریکا رخ داد دست کم هشت تن کشته شدند.

به گزارش ایسنا، مقامات محلی شهر شیکاگو با بیان این که این حادثه روز یک‌شنبه گذشته در حومه این شهر اتفاق افتاده، اظهار کردند: در این حادثه یک ساختمان مسکونی دچار حریق شد که بر اثر آن دست کم هشت تن از جمله شش کودک کشته شدند.

بنابر اعلام سخنگوی دپارتمان آتش‌نشانی شیکاگو بر اثر وقوع این حریق دو نفر نیز مجروح شدند که از وضعیت جسمی مساعدی برخوردار نیستند.

به نوشته روزنامه گاردین، مقامات محلی گزارشی از اسامی و سن دقیق قربانیان این حادثه منتشر نکرده‌اند. همچنین هنوز علت حریق مشخص نشده است.

در امتداد تاریکی

شوک در شب خواستگاری

از قبل نظر مثبت خودم را به خواستگارم گفته بودم چرا که از حدود دو سال پیش به او عشق می ورزیدم اما خانواده ام به شدت با این ازدواج مخالفت می کردند من که دیگر چاره‌ای نداشتم تصمیم گرفتم خانواده ام را در تنگنای اخلاقی قرار دهم به همین دلیل تاریخ خواستگاری را خودم تعیین کردم. آن شب وقتی صدای زنگ منزل بلند شد و مادرم در منزل را گشود از تعجب چشمانش گرد شد او با دیدن خواستگارم که دسته گل و جعبه شیرینی در دست داشت در شوک فرو رفته بود که...

زن ۲۵ ساله که سعی می کرد با چنگ و دندان دومین زندگی مشترک خود را حفظ کند در حالی که بیان می کرد نمی خواهم شکست دیگری بر زندگی ام سایه افکند به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری میرزا کوچک خان مشهد گفت: از ۱۶ سالگی به پسر عمویم علاقه مند شدم اما این دلبستگی زمانی بیشتر شد که فهمیدم پسرعمویم نیز به من علاقه مند است با وجود این اختلافات شدید خانوادگی بین پدرم و برادرش موجب شده بود تا کینه قدیمی و نفرتی آشکار خانواده ما را از یکدیگر جدا کند. شدت این اختلافات به حدی بود که ما نیز مجبور بودیم چشم بر خواسته هایمان ببندیم در این شرایط زن عمویم دیدی متفاوت داشت و کینه های قدیمی را در مسائل خانوادگی دخالت نمی داد این موضوع تنها امید من برای ازدواج با «منوچهر» بود ولی یک سال بعد زن عمویم به دلیل بیماری فوت کرد و در حالی که امید من نیز برای ازدواج با پسر عمویم به خاکستر یأس تبدیل شده بود، منوچهر در یک مهمانی از من خواست تا به خواستگاری ام بیاید من که پاسخ پدر و مادرم را می دانستم برنامه ریزی کردم تا خانواده ام در تنگنای اخلاقی قرار گیرند. آن شب وقتی مادرم در منزل را گشود و منوچهر و خانواده اش را مقابلش دید شوک زده فقط به آن ها می نگریست با وجود این وقتی متوجه شد که من برای خواستگاری برنامه ریزی کرده ام نتوانست بداخلاقی کند اگر چه بعد از رفتن خانواده عمویم کتک زیادی خوردم و مادرم فریاد می کشید این ازدواج عاقبتی ندارد و روزی پشیمان می شوی، ولی من این حرف ها را نمی شنیدم چنان برای ازدواج لحظه شماری می کردم که نصیحت های خانواده ام برایم بی معنی بود بالاخره پای سفره عقد نشستم اما دوران شادی و خنده های من فقط چند ماه طول کشید چرا که با آغاز زندگی مشترک گویی من کیسه بوکس انتقام شده بودم و هر کسی از خانواده عمویم مشتی را روانه پیکرم می کرد این در حالی بود که دیگر حمایت های منوچهر را از دست داده بودم و حس انتقام در وجود او نیز زبانه می کشید به طوری که هر بار از خانه مادرش باز می گشت به بهانه های کوچک مرا زیر مشت و لگد می گرفت کار به جایی رسید که تصمیم به طلاق گرفتم و با سر افکندگی نزد خانواده ام باز گشتم دیگر نمی توانستم حتی به چشمان مادرم نگاه کنم. دو سال بعد منوچهر پشیمان شد و از من خواست دوباره با او زندگی کنم اما مهر او از دلم بیرون رفته بود در این شرایط سر کار رفتم تا همه چیز را از خاطر ببرم ولی اشتباه دیگری را مرتکب شدم و بدون توجه به نصیحت های خانواده ام به خواستگاری صاحبکارم پاسخ مثبت دادم اگر چه ابتدا زندگی خوبی داشتم اما طولی نکشید که فهمیدم همسریکی از دوستان شوهرم که با آن ها رفت و آمد خانوادگی داشتیم رفتار غیر متعارفی با «یاسر» دارد. از آن چه می ترسیدم به سرم آمد رفتار شوهرم در مدت کوتاهی تغییر کرد و دیگر نه تنها شب ها دیر به خانه می آمد بلکه هیچ توجهی به من نداشت به دنیا آمدن فرزندم نیز تاثیری در روابط سرد و بی روح ما نگذاشت همسرم دیگر بیشتر شب ها به خانه نمی آید و مدام با تلفنش صحبت می کند حالا در حالی از شکستی دیگر در زندگی هراسانم که به هیچ وجه روی بازگشت دوباره به خانه پدرم را ندارم و...

شایان ذکر است به دستور سرهنگ حمیدرضا علایی (رئیس کلانتری) این زن جوان به مرکز مشاوره ای پلیس معرفی شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

مرکز ضرب سکه‌های قلابی طلا لو رفت

فرمانده انتظامی هرمزگان از شناسایی و انهدام باند هشت نفره تولید و ضرب سکه های تقلبی توسط پلیس استان خبر داد.

سردار عزیزا... ملکی در جمع خبرنگاران اظهار کرد: در پی شکایت تعدادی از طلافروشان بندرعباسی مبنی بر فروش سکه های تقلبی و اغفال طلافروشان، مراتب به‌صورت ویژه در دستور کار مأموران پلیس امنیت عمومی استان قرار گرفت. وی افزود: در این راستا ابتدا یکی از متهمان پرونده که به‌صورت آژانس تلفنی بوده و سکه‌های تقلبی را به بازار انتقال می داد، شناسایی و دستگیر شد.

سردار ملکی با اشاره به این که دیگر متهم اصلی پرونده به سمت تهران متواری بوده و در مسیر شهرهای بندرعباس -تهران تعدادی از سکه‌های تقلبی را نیز به فروش رسانده است، تصریح کرد: در این خصوص با گسترش چتر اطلاعاتی پس از یک ماه کار پلیسی مشخص شد باند سازمان‌یافته‌ای در استان تهران در امر ساخت، تهیه و توزیع سکه‌های تقلبی در کل کشور فعالیت داشته که محل انجام اقدامات مجرمانه نیز در حاشیه شهر تهران بوده است. این مقام انتظامی بیان کرد: پس از شناسایی متهمان و محل اختفای آنان، گروه مجربی از مأموران پلیس امنیت عمومی استان به تهران اعزام شدند و با همکاری مأموران پلیس امنیت عمومی ناجا در یک اقدام عملیاتی منسجم و گسترده تعداد هشت نفر از اعضای باند مذکور را دستگیر کردند.

فرمانده انتظامی هرمزگان تصریح کرد: در بازرسی از منازل و کارگاه ساخت سکه‌های جعلی، صدها عدد سکه تقلبی آماده فروش، دو دستگاه پلمب سکه، هفت دستگاه تراش جهت ساخت مهر و ضرب سکه، ۱۵ کیلو ورقه مسی جهت ساخت سکه تقلبی، ۳۵ عدد مهر تقلبی ضرب سکه، شش عدد مهر ژلاتینی ادارات و نهادهای دولتی و غیر دولتی مورد استفاده باند، تعدادی برچسب تقلبی مربوط به سکه و پلمب آن، چندین هزار دلار و جه نقد و دو عدد کیس رایانه که مورد استفاده باند جهت جعل مهرهای سکه استفاده شده بود، کشف شد.

وی با اشاره به این که تعداد هفت دستگاه خودرو متعلق به این باند نیز توقیف شد، بیان کرد: کلیه متهمان به همراه اقلام مکشوفه جهت پیگیری قضایی به استان هرمزگان منتقل شدند و پرونده مذکور در مرجع قضایی تحت رسیدگی است.

فرمانده انتظامی هرمزگان در پایان خاطرنشان کرد: از کلیه شهروندان عزیز درخواست می شود، چنان چه توسط افراد مذکور مورد اخاذی و اغفال قرار گرفته‌اند، شکایت خود را به دادسرای بندرعباس تسلیم کنند تا مورد رسیدگی قرار گیرد.

اشتباه عجیب هنگام دفن ۲ زن در یاسوج

جابه‌جایی جسد دو زن در یاسوج ماجرای عجیبی را رقم زد. به گزارش رکنا، غلامحسین عبدی‌پور، مدیرعامل سازمان آرامستان‌های شهرداری یاسوج دیروز، پنجم شهریورماه ضمن تأیید جابه‌جایی جسدها، گفت: این قضیه طی اشتباهی در روز یک‌شنبه، چهارم شهریورماه صورت گرفت و جسد دو زن جابه‌جا شد، این که گفته شده جسد یک زن با یک مرد جابه‌جا شده کذب است و صحت ندارد.

وی افزود: مجموعه آرامستان پس از اشتباه پیش آمده این موضوع را متوجه شدند که طی تماس در بین راه با خانواده متوفی به آن ها اطلاع داده شد و جسد به نماز میت نرسیده بود و برگشت داده شد. مدیرعامل سازمان آرامستان‌های شهرداری یاسوج بیان کرد: اصلاح این جابه‌جایی حدود یک ساعت طول کشید و با حضور شهردار، برخی از اعضای شورای شهر و مجموعه نیروی انتظامی جسدها رد و بدل شدند و موضوع پایان یافت.

عبدی‌پور با بیان این که انسان جایز الخطاست و همه هم اشتباه می کنند، تصریح کرد: بنده خود از خانواده متوفیان عذرخواهی کردم و دستشان را هم بوسیدم. یادآور می شود، (یک شنبه، چهارم شهریورماه) خبری تحت عنوان جسد یاسوجی سر از روستای «قلعه بنی» دهستان جاورده بخش چاروسا از توابع شهرستان کهگیلویه درآورد، در فضای مجازی منتشر شد و گفته شد که در روز تشییع جنازه بانویی از روستای قلعه بنی، جسد مردی از یاسوج با جسد این بانو با اشتباه مسئولان غسالخانه شهرداری یاسوج جابه‌جا شد. بعد از تاخیر و انتظار مردم برای شروع مراسم بانو هنگام اقامه نماز میت بود که بستگان میت با تماسی از مسئولان غسالخانه یاسوج متوجه شدند که جسد در تابوت متعلق به آن ها نیست و متعلق به مردی از یاسوج است، مراسم تشییع ناتمام ماند و جنازه به یاسوج انتقال داده شد و مردم روستای قلعه بنی در انتظار جسد بانوی خود هستند.